

مخاطب عام نمایش هم می گوید خیلی تحت تاثیر اتفاقات رخ داده در نمایش قرار گرفته، رفتن یک بازیگر در میانه اجرا، فراهم نبودن دکور و دهها مشکل نظارتی و ممیزی دیگر در نمایش در معرض دید مخاطب است و با این وضعیت شرایط تئاتر را درک می کند و با سختی اجرای نمایش از صفر تا صدش آشنا می شود. در صحنه آخر نمایش هم می بینیم با تمام مشکلات و چالش های که گروه اجرایی با آن روبه رو هستند یکدل و همراه می شوند و نمایش را اجرا می کنند و تأکیدی بر اهمیت کار گروهی در صحنه نمایش است.

### چقدر به این مسئله اذعان دارید که در ترسیم نوع روابط بین شخصیت های نمایش خواستید زیاد خواهی و عصیان زدگی نسل جوان دهه هشتادی را نشان بدهید؟

**تیر انداز:** مبنای نمایش که ترسیم عشق معروف رومئو و ژولیت است خواستیم که نشان بدهیم که دیگر در این دوره و زمانه عشق های این نوعی وجود ندارد و اغلب مفاهیم و نوع روابط به مرور زمان تغییر پیدا کرده است. دیدن فیلم های سه دهه قبل برای من نوعی سخت شده زیرا ریتم زندگی این سالها سریع و تند شده و دیدن فیلم های کلاسیک با ریتمی آهسته و ملایم کار دشواری است. من اسم کنش های نسل جوان را زیاد خواهی نمی دانم و تغییر پیدا کردن طبق جبر زمانه می دانم. در نمایش به عشق های امروز پرداختیم و اینکه در زندگی امروز چه تعریفی دارد و می شود از هر واژه ای برایش استفاده کرد.

**تبریزی:** تقابل دو نسل هم در این نمایش وجود دارد. **تیر انداز:** آآن شکل عاشق شدن هم عوض شده است.

### در نمایش شخصیت بازیگر میانسال نمایش تلاش می کند با پدر میانی چالش های موجود در روابط بین جوانها را حل کند؟

**تیر انداز:** نباید در نمایش ما دنبال پیام اخلاقی باشید. تماشاگر هوشمند امروز تئاتر خودش مفاهیم را می گیرد.

### در شروع نمایش در میان حرف های چند شخصیت زن نمایش مدام در باره شوهر پیدا کردن و ازدواج مطرح می شود. تأکید به این مفاهیم که برای مخاطب عام جذاب است را به همین دلیل ایجاد جذابیت استفاده کردید؟

**تبریزی:** حرف روز جامعه است و اگر به حرف های جوانها در پارک و مهمانی و سایر جاها توجه کنید بحث از دواج و شوهر پیدا کردن داغ است.

**تیر انداز:** یک دختر امروزی ته رابطه ای که با پسری شروع می کند دنبال ازدواج کردن است و این میل به تشکیل خانواده دادن چیز طبیعی است و من این بیس را از خود درون جامعه به نمایش الصاق کرده ام. در نمایش هم می بینیم شخصیت کارگردان درون نمایش الهام رضانی هم دوست دارد سر و سامان بگیرد.

### تبریزی: دوست دارد به یک امنیت خاطر برسد. یکی از نقاط قوت نمایش ریتم اجرای نمایش است که نمی گذارد مخاطب از تباطش از دیدن نمایش قطع شود و احیاناً به ساعتش نگاه کند.

**تیر انداز:** موقع شروع تمرینات به بازیگران می گفتم نمایش نباید به تماشاگر فرصت بدهد. ما با تماشاگر باهوش مواجه هستیم و دیگر دوران استفاده از سکوت و مکث در فضای اجرایی نمایش گذشته است تا تماشاگر وارد قضیه ای بشود و غیره و ذالک. پسر ۱۵ ساله من تحلیل های علمی انجام می دهد که حیرت می کنم. بنابراین باید در همه مسائل طبق زمانه و شرایط زیست جلورفت. زمانی می توانم کارگردان موفقی باشم که ریتم جامعه و تفکر جامعه را بشناسم. هر نمایش دیگری هم که اجرا کنم فرصت نفس کشیدن به تماشاگر را نمی دهم. البته رسیدن به چنین ریتمی با یک تیم بازیگر جوان کم تجربه واقعا کار سختی بود و نیازمند تمرینات زیاد و نفس انگیز. در این راه کمک پژمان عبدی و الهام شعبانی تاثیر گذار بود. در این فرآیند به یک انسجام گروهی رسیدیم و آآن بیاید پشت صحنه بچه ها جرات نفس کشیدن را ندارند (باخنده).

### مگر با وجود اقتدار و کاریزمای الهام شعبانی به جز چنین فضایی را انتظار داشتید؟

**تبریزی:** روزهایی که من سر تمرینات می رفتم هم خانم تیر انداز به بچه ها هشدار می داد که خانم تبریزی از من و الهام شعبانی جدی و مقتدر تر است و بچه ها حساب کار دستشان می آمد. از شوخی گذشته دلم می خواست که بچه های جوان هم اندازه بازیگران حرفه ای نمایش درخشان ظاهر شوند. تمام این سخت گیری ها در جهت بهتر شدن کیفیت نمایش و امکان عملی کردن آموزه های بازیگری سیما تیر انداز در بین بازیگران جوان بود.

**تیر انداز:** من حتی از چالش شلوغی صحنه و رفت و آمد پر تعداد بازیگران در فضای نمایش نترسیدیم و از آن استفاده کردم تا طبیعت و ذات زندگی روی صحنه جریان پیدا کند.



### گرفت هم استفاده شد؟

**تبریزی:** به صورت روال در بحث اتودها با خانم تیر انداز هماهنگ هستیم و در مسیر شکل گیری خط اصلی داستان تعاملات خوبی داشتیم. در شروع تمرینات خانم تیر انداز اتودها را به بازیگران ارائه می دهد و بعد از او کی نهایی در فضای نمایش مورد استفاده قرار می گیرد. در این نمایش تلاش کردم بیشتر مواقع سر تمرینات باشم و بتوانم به بهتر شدن متن و کار کمک کنم.

**تیر انداز:** تا به حال سه مسیر در کارهای مشترک با خانم تبریزی داشته ام. سر نمایش نیاز مندیها یک سری صحبت و حرف با بازیگران داشتیم و بعد از قطعی شدن اجرا خانم تبریزی به گروه اضافه شدند در دل این صحبتها متنی متولد شد. در نمایش بوتولیسیم خانم تبریزی ایده من را در باره خوابگاه دانشجویی نوشت. در رومئو و ژولیت موضوع اصلی را به خانم تبریزی گفتم و ایشان کار را انجام دادند.

### شیوه اجرایی نمایش تک خطی نیست و با شروع نمایش تماشاگر وارد فضای نمایش از جنس تئاتر فاصله گذاری برشته می شود. ایده این رویکرد چگونه شکل گرفت؟

**تیر انداز:** ایده اولیه دعوا در شروع نمایش در میان تماشاگران را از نمایش بهمین وام گرفتم و ایده دوم را مدیون پژمان عبدی هستیم و آمد سر صحنه و ایده اش را توضیح داد و من ابتدا مخالفت کردم و الهام شعبانی هم از استفاده از این ایده استقبال کرد و گفت در پس این بخش عشق های امروزی مطرح می شود و نمی آیی فاصله گذاری ایجاد کنی بلکه مطرح می شود که جامعه هم درگیر این اتفاق است و در اصل یک مفهوم برای تماشاگر مطرح می شود و شاید خود تماشاگر درگیر چنین مفهوم و قضیه ای باشد و همراه بشود. در نمایش دوبار از تکنیک فاصله گذاری استفاده کردیم. لحظه شروع و در میانه اجرا این اتفاق رخ داد.

### دیدن فضای پشت صحنه تئاتر و مشکلاتی که برای یک اجرا در روبه رو عوامل اجرایی تئاتر چقدر می تواند برای مخاطب تئاتر روشن کند که بر خلاف تصور تئاتر اجرا کردن کار ساده ای نیست؟

**شعبانی:** در مدتی که از شروع اجرای نمایش می گذرد هم مخاطب عام و هم مخاطب خاص به دیدن اثر آمده اند. چند شب پیش مادر خانم تیر انداز هم به سالن آمده بود و بعد از اجرا گفتند من دلم برای بچه های تئاتر با این چیزهایی که در این تئاتر دیدم می سوزد.

### دستیار کارگردان نمایش را چگونه دیدید؟

**سیما تیر انداز:** نوشین تبریزی نقش دستیار کارگردان را مختص مهرزاد نوشته بود (باخنده).

**مهرزاد جعفری:** دستکاری کارگردانی در تئاتر کار دشواری است. البته من در چند نمایش خانم تیر انداز دستیارشان بودم و از این شغل شناخت لازم را دارم. دستکاری جذابیت های زیادی دارد. در این سال ها در کنار کارگردان های با تجربه ای نظیر خانم تیر انداز آبدیده شده ام. صبوری و تغییر سبک زندگی را هم در این مدت در مجالست با خانم تیر انداز آموختم. در این پروژه کار برای من به علت بازی و دستکاری توامان سختی های داشت. تلاش کردم برای بازی در این نقش اله مان هایی را مورد استفاده قرار بدهم که شاید در واقعیت وجود نداشته باشد اما باعث جذابیت نقش و فضای نمایش می شد. البته هر دوستی که من را می بیند می گوید دستیار نمایش رومئو و ژولیت عین خود واقعی من در همکاری با خانم تیر انداز است.

**نوشین تبریزی:** موقعی که نمایش را می نوشتم از لحظاتی که بین مهرزاد و کارگردان در نمایش رخ می دهد خنده ام می گرفت.

### به چه دلیل خودتان در نمایش نقش کارگردان را بازی نکردید؟

**تیر انداز:** آآن مطمئن هستم اگر دوباره به الهام شعبانی پیشنهاد بازی در این جنس نمایش و همبازی شدن با هنرجویان جوانها را بدهم قبول نمی کند. زیرا کار سختی است. یادم می آید برای روی صحنه بردن نمایش بهمین به کارگردانی افروز فروزنده که آن هم در باره پشت صحنه تئاتر است سه ماه تمرین کردیم در آن کار هم با این دشواری ها روبه رو بودیم. البته من به جز الهام شعبانی به بازیگر دیگری برای این نقش فکر نکردم. زیرا بازیگر با تجربه، دلسوز و درجه یکی است. در گذشته تجربه توامان بازی و کارگردانی را داشتم. البته در این نمایش با بازیگران حرفه ای حضور داشتند. به نظرم یک کارگردان فقط باید روی کارش متمرکز باشد و از پشت صحنه همه چیز را کنترل کند. اینکه دانشجوییم احساس خوبی داشته باشد که در نمایشی با استادشان همبازی است برای من خوشایند است. خیلی دوست دارم دوستی نمایش را کارگردانی کند و من هم نقش کارگردان را در نمایش بازی کنم.

### آیا متنی که شما نوشته بودید به طور کامل اجرا شد و یا به دلیل فضای کار از ایده هایی که در حین تمرین شکل می